

نهی از مسکرات

حضرت نقطه اولی، حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (11) امر و خلق - جلد 3

۱۱ - نهی از مسکرات

در کتاب اقدس است قوله تعالی: لیس للعاقل ان یشرب ما یذهب به العقل و له ان یمعل ما ینبغی للانسان لا ما یرتکبه کل غافل مریب .

و در لوحی است . قوله جلّ و علا : ابن ذبیح غلام قبل علی الاعظم الابهی ای غلام مالک انام و سلطان ایام میفرماید طوبی از برای نفسی است که الیوم بذکر الله ذاکر و بشرطش ناظر است الیوم بر کلّ خدمت امر مالک غیب و شهود لازم است نیکوست حال نفسی که بخدمتش قیام نمود و بحبش بین اهل ملاً اعلی و ساکنین مدائن انشاء معروف گشت . ای سرمستان خمر عرفان در این صباح روحانی از کأس الطاف رحمانی صبح حقیقی بیاشامید این خمر توحید را خمار دیگر است و خمارش را کیفیت دیگر آن از شعور بکاهد و این بر شعور بیفزاید آن نیستی آورد و این هستی بخشد آن را صداع از عقب و این را حبّ مالک ابداع همراه . بگو ای خلق محبوب حق ساقیست و اعطای کوشر باقی میفرماید ان اسرعو الی ما اراد لکم معرضاً عما اردتم هذا خیر لکم و اسمی المهیمن علی العالمین ذکر اخیک من قبل ربک و امک و الذین آمنوا بالله العلیم الخبیر .

و در لوحی است قوله جلّ و عزّ : ایاکم ان تبدلوا خمر الله بخمر انفسکم لانها یخامر العقل و یقلّب الوجه عن وجه الله العزیز البدیع و اتم لا تتقربوا بها لانها حرمت علیکم من لدی الله العلیّ العظیم .

و در لوحی دیگر قوله الاعلی : بسم الذی کان ظاهراً فوق کلشیئی هذا کتاب من لدی المسجون الی الّتی آمنت بریها و کانت من القانتات و عرفت ربها فی ایام الّتی کل غفلوا عنه الا الذین هم انقطعوا من الدنیا و بلغوا الی مقرّ



ORIGINAL

الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ مَقَدَّسًا عَنِ الْأَسْمَاءِ وَالصِّفَاتِ إِنْ يَا أُمَّةَ اللَّهِ أَسْمَعِي نِدَاءَ هَذَا الْغُلَامِ الَّذِي ظَهَرَ فِي قُطْبِ الْآفَاقِ بِمَلَكُوتِ الْآيَاتِ لِيَجْذِبَكَ نِدَائُهُ وَيَقْطَعَكَ عَمَّا خُلِقَ فِي الدُّنْيَا وَيَقْرَبَكَ إِلَى مَكْمَنِ الظُّهُورَاتِ طَهَّرِي نَفْسَكَ عَمَّا يَكْرَهُهُ اللَّهُ ثُمَّ إِذْ كَرِهَ بِقَلْبِكَ وَلسَانِكَ وَلَا تَكُونِي مِنَ الصَّامِتَاتِ أَيَاكِ أَنْ تَعْمَلِي مَا يَضِيعُ بِهِ أَمْرُ اللَّهِ بَيْنَ عِبَادِهِ لِأَنَّ النَّاسَ يَرْجِعُونَ كُلَّ عَمَلٍ سَوْءٍ إِلَى هَذَا الْمَقَامِ الَّذِي قَدَّسَهُ عَنْ كُلِّ الْجِهَاتِ وَالْإِشَارَاتِ أَنْ أَشْرَبْنَ يَا أُمَّةَ اللَّهِ نَحْمَرَ الْمَعَانِي مِنَ كُؤُوسِ الْكَلِمَاتِ ثُمَّ أَتْرَكْنَ مَا يَكْرَهُهُ الْعُقُولُ لِأَنَّهَا حَرَّمَتْ عَلَيْكَ فِي الْأَلْوَابِ وَالزَّرَبَاتِ أَيَاكِ أَنْ تَبْدُلْنَ كَوْثَرَ الْحَيَوَانِ بِمَا تَكْرَهُهُ أَنْفُسُ الزَّائِكِيَاتِ إِنْ أَسْكُرْنَ بِخَمْرِ مَحَبَّةِ اللَّهِ لَا بِمَا يَخْمُرُ بَعْدَ عَقُولِكُنَّ يَا أَيَّتُهَا الْقَاتِنَاتُ إِنَّهَا حَرَّمَتْ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ كَذَلِكَ اشْرُقْ شَمْسُ الْحَكْمِ مِنْ أَفْقِ الْبَيَانِ تَسْتَضِيئُ بِهَا أُمَّةَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالرُّوحَ عَلَى كُلِّ مَنْ عَمَلَ بِمَا أَمَرَ مِنْ لَدَى اللَّهِ وَكَانَ مِنَ الطَّاهِرَاتِ النَّائِبَاتِ .

و در کلمات مکتونه است قوله جل و علا : بگو ای پست فطرتان از شراب باقی قدسم چرا به آب فانی رجوع نمودید .

و قوله عزّ بیانه : ای پسر خاک از خمر بی مثال محبوب لایزال چشم میوش و بخمر کدره فانیه چشم مگشا .

و قوله الحق : ای پسر انسان شبمی از ژرف دریای رحمت خود بر عالمیان مبدول داشتم و احدی را مقبل نیافتم زیرا که کل از خمر باقی لطیف بماء کثیف نبید اقبال نموده اند و از کأس جمال باقی بجام فانی قانع شده اند فبئس ما هم به یقنعون .

و از حضرت عبدالبهاء در ضمن مرقومه مبارکه است قوله اللطیف : جمیع نفوس را نصیحت نمائید که با وجود آنکه جام باقی و خمر الهی میسر هیچ فطرت پاکی به این آب فانی متن میل می نماید لا و الله . و در خطابی دیگر : پس باید کوشش باقی را طلبید نه ماء تلخ فانی و البهائ علی الذین سکروا من خمر محبة الله .

و از حضرت ولیّ امر الله در ابلاغیه ایست قوله العدل : شرب و استعمال افیون از محرمات است و شارب بهائی نه و در زمره مؤمنین داخل نیست ولی اگر ترک آن دفعة واحدة ضرر کلی داشته باشد درین صورت مؤمن حقیقی باید در کمال صمیمیت متدرجاً اقدام به ترک آن نماید .

و قوله الفصل : بواسطة آقا رحمت الله خان علائی علیه بهاء الله سفارش اکید گشت که شرب خمر و تریاک از محرمات منصوصه حتمیه است لهذا اگر افراد اجتناب ننمایند و متدرجاً ترک نکنند و از نصیحت و انداز محفل متنبه نشوند و عمداً مداومت نمایند انفصال آنان را از جامعه به کمال حزم و متانت اعلان نمائید .

و در ابلاغیه دیگر راجع بسؤال سوم فرمودند : بنویس این عمل قبیح و مذموم است و دلیل ترویج منہیات امریه ترک آن از فرائض وجدانیّه بهائیان حقیقی محسوب اگر بهائیان محل خویش را اجاره دهند و بهیچ وجه من

الوجه مداخله نمایند و تائید شخص مستأجر را نکنند مسؤولیت از آنان مرتفع شخص مالک باید بجمع وسائل
متشبت گردد که ملک خویش را از لوٹ این گونه امور دنیة مصون و محفوظ نماید تا چه رسد به اینکه خود
شخصاً مباشرت باین اعمال مردوده نماید .